شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

۲شنبه

سال شانزدهم
۲۲ مرداد ۱۴۰۳
۷ صفر ۱۴۴۶
شماره ۴۲۸۵

Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
- سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
- نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی: ۵-۱ ۳۷۲ ۸۸۸۸-۰۵۱
- نمابر: ۳۸۴۹۰۳۸۴-۰۵۱
- روابط عمومی: ۳۸۴۸۳۷۵۲ -۰۵۱
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

دمای هوای مشهد

رطوبت هوا ۲۷٪	۳۷° ↑۲۴° ↓
صبح ۲۴	ظهر ۲۸
عصر ۳۲	شب ۲۶

اوقات شرعی مشهد

- اذان ظهر ۱۱:۳۶:۳۱
- نیمه شب شرعی ۲۲:۴۹:۳۸
- غروب آفتاب ۱۸:۲۵:۲۲
- اذان صبح فردا ۰۳:۱۵:۰۱
- اذان مغرب ۱۸:۴۴:۴۹
- طلوع آفتاب فردا ۰۴:۴۸:۲۶

امام حسن (ع):

اندیشیدن، جان مایه دل بیناست.

الکافی

اول شخص

فیدل و رفاقتی که هنوز پابرجاست

مروری بر روابط ایران و کوبا در آستانه زادروز فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا که در ۹۰سالگی از دنیا رفت

نویسنده: آزاده چشمه‌سنگی

۱۳۵۴|بیست وپنجمین کنگره حزب کمونیست

فیدل کاسترو، حقوق دان جوان و مرفه دیروز، حالا رهبر چهل ونه ساله حزب کمونیسم کوباست و کمتر کسی در جهان است که او و رویکردهای ضدآمریکایی اش را نشناسد. در سال های گذشته درحالی‌که دست راستش در دست چگوارا و دست دیگرش در دست مخالفان حاکم کوبا بود، توانسته بود دیکتاتور مسلط برکشورش را از اوج قدرت پایین بکشد و حالا هرکس به کوبا می آمد، تشنه ملاقات با او بود. سفرای ایران در اواسط دهه ۵۰ که تا پیش از این با تقدیم استوارنامه هایی، نخستین گام های مراوده با این کشور را برداشته بودند، حالا در دیداری دوستانه با نماینده تنها حزب این کشور یعنی حزب کمونیسم، بر تقویت روابط خود پافشاری می‌کردند، اما رفته رفته این روابط با بروز مبارزات داخلی در ایران که برخی مخالفان محمدرضاشاه را برای فراگیری مبارزات چریکی علیه رژیم پهلوی به‌کوبا کشاند رو به تاریکی رفت.

۱۳۵۸|کنفرانس بین المجالس

سفارتخانه های ایران و کوبا فقط یک سال پس از گشایش، با تیره شدن روابط دو کشور تعطیل شده بود، اما مدتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ملاقات ابراهیم یزدی، وزیر خارجه دولت موقت، با فیدل کاسترو بدون تدارک قبلی در هتل کاپری هاوانا بار دیگر بسترساز آمدوشدهای صمیمانه تازه‌ای شد. نشستی دوساعته‌که در آن از مسائل مربوط به انقلاب ایران و کوبا گفتند؛ از عوامل پیروزی و بررسی خطراتی‌که هر انقلاب نوپا را تهدید خواهدکرد. کاسترو از تجربیاتش می‌گفت و یزدی از چالش های پیش رو. کاسترو به خوبی می دانست غلبه بر یک حکومت دیکتاتور، تازه اول راه هر انقلابی است. تشکیل کمیته های دفاع از انقلاب، ایجاد ارتش نوین در سطح شهر و روستا، رسیدگی به مسائل آموزش، بهداشت، خانه سازی و امنیت هم هریک نکات و تجربیات و دستاوردهایی بودکه‌کاسترو بی دریغ در اختیار ابراهیم یزدی قرار می داد. صبح روز بعد، جراید و رسانه های‌کوبا، از اخبار و تصاویر این ملاقات ارزشمند پر شده بود.

دیدار فیدل کاسترو، رئیس جمهور کوبا با رهبر معظم انقلاب در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۰، تهران

۱۳۶۰|کنفرانس بین المجالس کوبا

قرار شده بود هیئتی منتخب از مجلس شورای اسلامی ایران برای شرکت درکنفرانس بین المجالس به‌کوبا سفرکند تا در این میان، ملاقاتی نیز با فیدل کاسترو داشته باشد. حالا پنج سالی می شدکه رهبر حزب کمونیست‌کوبا، ریاست جمهوری این کشور را نیز برعهده گرفته بود. گروه اعزامی ایران متشکل از نمایندگان مذهبی‌گوناگون، از اهل سنت‌گرفته تا اقلیت های مذهبی بود. یک نفر خانم و چند نفر روحانی و چندین نفرکت وشلواری هم در میان آن ها به چشم می آمد. آقایان سیدابوالفضل موسوی تبریزی، سیدمحمد خاتمی، امامی‌کاشانی، دکتر ولایتی، دکتر مهاجرانی، محمدی، بشارتی، دعایی، دکتر زرگر، فخرالدین حجازی و الویری همگی حیاطی درکوبا اجاره کرده بودند و گاه تا محل برگزاری اجلاس را پیاده طی می‌کردند. حضور هیئت ایرانی با ظاهری متفاوت در خیابان های‌کوبا توجه مردم را به خود جلب کرده بود. آن نماز جماعت پس از مراسم افتتاحیه روی چمن های وسط بولوار به امامت آقای امامی‌کاشانی که درکتاب خاطرات ناطق نوری آمده است، ریزبه ریز اتفاقات آن سفر را روایت می‌کند؛ سفری‌که در حاشیه‌کنفرانس بین المجالس، پس از ملاقات سیدمحمد خاتمی و فیدل کاسترو، روابط ایران و کوبا را بار دیگر تحکیم می‌کرد. این بار نیز سران دو کشور به صورت مشترک به مرور تاریخ انقلاب یکدیگر پرداختند؛ از دسیسه های امپریالیسم آمریکا که دامن‌گیر هر دو طرف شده بود حرف زدند و این بارکاسترو اذعان کرد آنچه در انقلاب ایران ارزشمند و منحصربه فرد بوده، فرهنگ اصیل اسلامی در هدایت انقلاب بوده است، همان چیزی‌که با رویکرد شهادت طلبی، کشور را از چنگال ظلم آزادکرد و مانند آن هرگز درکوبا یافت نشد. یک سال پس از این سفر بودکه بار دیگر سفارت ایران در هاوانا بازگشایی شد.

۱۳۶۵|اجلاس سران عدم تعهد

رهبر معظم انقلاب که آن روزها در کسوت ریاست جمهوری ایران بودند، به زیمباوه سفرکرده بودند تا در اجلاس سران عدم تعهد شرکت‌کنند. سفری خاطره انگیز و پرحاشیه‌که شرح مفصل آن درکتاب «از هراره تا تهران» آمده است. بار دیگر دو نماینده از ایران و کوبا به ملاقات یکدیگر آمده‌اند. از یک سو، کاسترو با آن یونیفرم زیتونی رنگ همیشگی آمده است و از این سو، حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در شمایل مردی شبیه به بنیان‌گذار انقلاب اسلامی. کاسترو هرگز حضرت امام (ره) را از نزدیک ملاقات نکرده است، اما این مرد با رنگ وبوی امام (ره) از تبار همان مردی است‌که بی تکیه بر شوروی، آمریکا را در خاورمیانه زمین‌گیرکرد و انقلاب را به یاری رهبرش به ثمر نشاند. ملاقات با او، ملاقات با امام خمینی (ره) بود؛ رهبری‌که هرگز فرصت نشد به واسطه بروز جنگ با او دیدارکند. در ادامه، دیدار مشتاقانه پیش می رود. دستشان را از سر ادب دراز می‌کنند. دست چپ آیت ا... که جلو می آید، کاسترو شرمگینانه کنجکاو می شود. رهبر معظم انقلاب همین طورکه دست راستشان را بالا می‌آورند، از مجروحیت خود با عنوان «ضایعات انقلاب» یاد می‌کنند. حالا کاسترو که‌کامل منقلب شده است، دست چپ ایشان را با محبت فشار می دهد و می‌گوید: «این ضایعات تاریخی و جاودانه است.» پس از آن، کاسترو که بیشتر به پرحرفی شهرت داشت، بیشتر گوش می‌کند و کمتر حرف می زند. بیشتر از یک ساعت از ملاقات می‌گذرد و هر دو از محکومیت تجاوزگری در آفریقای جنوبی گرفته تا تحلیل مسائل آمریکای لاتین و جنگ تحمیلی می‌گویند. جلسه با امید دیدار دوباره‌کاسترو با مقامات ارشد ایرانی تمام می شود.

۱۳۸۰|کاسترو در ایران

یک سال پیش که رئیس جمهور وقت ایران برای شرکت در چهاردهمین اجلاس سران غیرمتعهدها به هاوانا سفرکرده بود، از فیدل کاسترو دعوت‌کرد تا به ایران بیاید و حالا او همراه با هیئت همراه به تهران آمده بود تا با مقامات ارشد و شخصیت های سیاسی برجسته‌کشور به ویژه رهبر معظم انقلاب و رؤسای قوا و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام دیدارکند. موج استقبال گسترده‌ای از حضور او در ایران به راه افتاد. ایرانی ها در هر دوره، به واسطه تجربه انقلاب با آدم هایی‌که دغدغه مبارزه با استبداد را داشته اند، با نهایت همدلی ملاقات می‌کنند. حالا فیدل کاسترو، هرچند در هفتاد و پنج سالگی طراوت روزهای مبارزاتی اش را ندارد، همچنان با همان چشم هایی به دنیا می نگردکه در سال های نخست مبارزاتی اش داعیه عدالت جویی داشت. حالا‌که به تهران آمده، دیگر آن یونیفرم سبز زیتونی را کنارگذاشته است و خبری از آن سیگار برگ معروف نیست.

یک دست‌کت وشلوار تیره رسمی پوشیده است و دوشادوش سیداحمد خمینی به زیارت آرامگاه امام خمینی (ره) می رود؛ مردی‌که هرگز مجال نیافت از نزدیک ملاقاتش‌کند، اما امروز در جمع کسانی است‌که میراث دار انقلاب قدرتمند او هستند. به خانه امام (ره) می رود و بعد، از پشت شیشه ها به اتاقی نگاه می‌کندکه روزی در آن تلگراف هایش به دست امام خمینی (ره) می رسید؛ تلگراف هایی که حامل پیغام برادری، همدلی و همراهی بودند.

روایت روز

ترسی نیست وقتی عَلَم اینجاست

نویسنده و شاعر افغانستانی: عاطفه جعفری

در بین راه، یک کتاب پاره پاره که صفحاتش چون موی عزیزی دست چنگیز خون ریزی پریشان افتاده، مرا به فکر فرومی برد. همین چند روز پیش گزارشی از محمد موسی، شاعر فلسطینی، می خواندم درباره آتش سوزی های گسترده کتابخانه ها و نابودی کتاب در غزه. کسی در سرم برمی آشوبد که هان! باش که عصر بی کتابی و قطع شدن برق و اینترنت و رسانه دامن تو و این ولایت را هم بگیرد. تا خود مسجد مدام این خوره به جانم افتاده بود، آن گونه که اگر گاه وضو مسح نمی کشیدم، نیمی از سرم را خورده بود. می رسم داخل مسجد. می گویند مراسم است بعد نماز و فضا از جمعیت متراکم است. کنار پرده جاگیر می شوم. هنوز ذهن من بی پرده به فردای بی کتابی فکر می کند، به قطع شدن برق، به سؤالاتی بی جواب که جامعه را غرق می کند. اصلا شعر و شاعری چه؟ دیگر کتابی نیست که بخوانند مردم! راستی مردم چطور امام را بشناسند؟ احکام دینی و سؤالات شرعی چه؟ دو رکعت نماز مستحب می خوانم قربة الی اللّه... اللّه اکبر. یکی از بچه ها که به حال خودش رهایش کرده اند، از پشت پرده با یکی از این اسباب بازی های پرنده که به هوا پرت می کنند، بازی می کند و سایه پرنده مرا به فکر پهپاد و جنگ و همان فردای غیرمحتوم می اندازد. سلام‌که می دهم، آن اسباب بازی کوچک درست جلو من فرود می آید. پسربچه بانگ برآورده است‌که: فرفره من رو بدید خاله ها! تازه می فهمم اسمش فرفره نوری است. پرده را کمی بالا می دهم و آن فرفره کوچک پرنده را آن طرف می گذارم. بی درنگ فرفره را برمی دارد و باز می اندازد هوا. با خودم می گویم این نسل، فردای جنگ چه می کنند؟ چه می شود؟ با سؤالاتشان چه می کنند؟ ناگهان صدای ضعیفی توجه مرا به خود جلب می کند. دخترکی پشت سرم آرام از مادرش می پرسد: مامان! چرا اسم امام حسن (ع) کریمه؟ کریم مگه اسم ایرانی نیست؟ مادر بادرنگ پاسخ می دهدکه: این کریمی‌که می‌گیم، با اون کریم آقای شوهرخاله فرق داره. کریم اینجا یعنی با کرامت، بخشنده، همیشه درحال کمک. دخترک باز می پرسد: خب چرا به بقیه اماما کریم نمی گن؟ راستش داشتم فکر می کردم اگر دختر خودم فردا روزی از من بپرسد، چه می گویم؟ تازه فردایی‌که کتابخانه ای هم نباشد! ناگهان مادرش‌که انگار از پیش جوابی در آستین دارد، می گوید: ببین، الان ما سه تا سوپری توی کوچه مون داریم، همه شون هم آدمای خوبی هستن، ولی من می گم دوغ رو از عباس آقا باید خرید. این به خاطر اینه‌که عباس آقا خودش دوغ درست می کنه. بقیه هم دوغ دارن، ولی اون جوری نیست طعمش. همه اماما کریم هستن، ولی امام حسن (ع) توی کرامت خیلی شاخص و ممتازه. کودک می پرسد شاخص یعنی چه‌که اینجا آماده تکبیر احرام می شویم. سرم را بالا می آورم می بینم پرچم سیاهی جلوترزده‌اند و شهادت امام حسن مجتبی (ع) را تسلیت گفته‌اند. به مادر فکر می کنم و ذهن آن کودک و پاسخی‌که شنیدم. دیگر نه بالا رفتن فرفره مرا یاد پهپاد می اندازد، نه دغدغه آن کتاب های سوخته ذهنم را اذیتم می کند. علم جایی درست پشت سر ماست‌که ما را به جلو هدایت می کند. علم جایی در سینه مادرانی است‌که ما را با محبت این خاندان شیر داده‌اند. بیرون مسجد، از فرفره نئونی دستش فهمیدم همان پسربچه است. یک میز کوچک داشتند که رویش چند شربت گذاشته بودند و آن کودک داشت راه را به بقیه نشان می داد که به موکبشان سر بزنند.

پسری به این سن و سال و معرفتی به آن کمال! در گوشم کسی حالا به نجوا نشسته‌که علم واقعی نزد این خاندان است. محبت این خاندان که باشد، از چیزی نباید ترسید... حالا دارم شربت می نوشم، ولی بعدش ناخودآگاه به جای حسین (ع) می گویم صلی ا... علیک یا حسن (ع).

تافته جدا بافته

تانک هایی برای رجزخوانی شرق و غرب

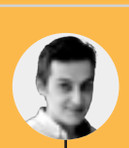

روزنامه نگار: محمد عنبرسوز

درسال‌های گذشته جهان شاهد بازگشت تنش‌های نظامی به سطح بین المللی بوده است، به ویژه درباره بحران اوکراین وصف کشی دوباره شرق وغرب بر سر این کشور. ماجرای جنگ اوکراین وروسیه در روزهای گذشته وارد مرحله‌ای تازه از رجزخوانی شده است‌که به نظر می رسد در این منازعه تانک ها نقش مهمی را ایفا می کنند. گزارش های روزنامه های آلمانی و تحلیل های بین المللی نشان می دهندکه ورود تانک های مدرن لئوپارد ۲ به اوکراین، نشانه‌ای جدید از تعهد آلمان و دیگر کشورهای غربی به حمایت از کی یف در برابر تهاجم روسیه است‌که منجر شد اوکراین از موضع دفاعی به فاز تهاجمی روی بیاورد.

ماشین‌های تمام اتوماتیک کشتار

تانک های آلمانی لئوپارد ۲ سری A8 که به پیشرفته‌ترین فناوری های نظامی مجهز هستند، اکنون در اوکراین مستقر شده‌اند و نقشی کلیدی در دفاع از این کشور برابر حملات روسیه ایفا می کنند. این تانک ها با دقت و قدرت زیادشان توانسته‌اند خطوط دفاعی قدرتمندی ایجاد کنند و به‌عنوان نمادی از حمایت کشورهای غربی از اوکراین در جنگ با روسیه شناخته می شوند. در مقابل، روسیه با استفاده از تانک های T14 تلاش می کند برتری نظامی اش را بر اوکراین دیکته کند و از این طریق، سیگنال های قدرتمندی را به جهان غرب بفرستد.

غرب و چالش مداخله

علاوه بر آلمان، سایر کشورهای اروپایی ازجمله فرانسه، انگلستان و ایالات متحده با ارسال کمک های مالی و نظامی قابل توجه به اوکراین، به دنبال تقویت نیروهای این کشور در جنگ با روسیه هستند. این کمک ها شامل تسلیحات پیشرفته و پشتیبانی مالی است‌که به اوکراین اجازه می دهد برابر تهدیدات نظامی روسیه مقاومت کند.

این اقدامات کشورهای غربی در حمایت از اوکراین، از منظر خودشان نشانه‌ای از تعهد عمیق به برقراری امنیت و ثبات در منطقه است، اما از نگاه مقامات روسی چیزی به جز مداخله نظامی در امور سایر کشورها محسوب نمی شود. درعین حال، حمایت های آشکار نظامی غرب از اوکراین موجب افزایش تنش ها میان روسیه و ناتو شده است و چنین وضعی می تواند به شکلی فزاینده به نگرانی از وقوع یک جنگ گسترده تر در این منطقه دامن بزند.

رجزخوانی سیاست مداران عجول

درحالی‌که پیش‌تر مقامات روسی اعلام حمایت آلمان از اوکراین را به‌مثابه اعلان جنگ به روسیه قلمداد کرده بودند، در روزهای گذشته چاپ یک مقاله متهورانه در روزنامه «بیلد» آلمان دوباره به تنش ها دامن زد. این مقاله با لحنی طعنه آمیز به ورود تانک های آلمانی به خاک روسیه پس از هشتاد سال اشاره کرده بود. این نوشتار، واکنش بی درنگ و شدید اللحن دیمیتری مدودف، معاون رئیس شورای امنیت روسیه، را به دنبال داشت. او در بیانیه‌ای اعلام کرد: تانک های روسی ممکن است به میدان جمهوری مقابل ساختمان «رایشستاگ» در برلین برسند. این اظهارات، فضای افکار عمومی جهان را به یاد وقایع جنگ جهانی می اندازد و بیم بازگشت به دوران نزاع میان دو بلوک غرب و شرق را تقویت می کند؛ زمانی که سال ۱۹۴۵ و در روزهای پایانی جنگ جهانی دوم، هیتلر دیگر به زانو درآمده بود و برلین توسط نیروهای شوروی محاصره شده بود. ارتش سرخ در این عملیات حدود ۲ میلیون و ۳۵۰ هزار نیروی نظامی و ۶ هزار و ۲۵۰ تانک و بیش از ۷ هزار و ۵۰۰ هواپیما را راهی برلین کرد و با برتری نظامی پس از یک هفته، پایتخت حکومت رایش سوم را به تصرف درآورد و بدین گونه فتح برلین در تاریخ به ثبت رسید.

تاریخی برای عبرت نگرفتن

به نظر می رسد که تاریخ پرتنش روابط میان آلمان و روسیه، به ویژه در دوره جنگ جهانی دوم، بار دیگر درحال تکرار است. در آن دوران، آلمان نازی با هدف فتح روسیه، حملات گسترده‌ای را آغاز کرد که نهایتا با شکست و عقب‌نشینی روبه‌رو شد. اکنون با گذشت دهه ها از آن دوران، تنش های نظامی و سیاسی میان این دو کشور دوباره افزایش یافته و نگرانی ها از تکرار وقایع تلخ گذشته بیشتر شده است. این وضعیت نشان دهنده حساسیت زیاد تاریخی و سیاسی میان روسیه و آلمان است.

آرزوی صلح زیر سایه تنش‌ها

درحالی‌که جهان به‌سمت بحران‌های بزرگ‌تر حرکت می کند، اهمیت صلح و دیپلماسی بیش از پیش احساس می شود. این تقابل‌های نظامی و سیاسی باید به‌عنوان هشداری برای جامعه جهانی در نظر گرفته شود تا از تکرار اشتباهات گذشته جلوگیری شود. فقط از طریق همکاری های بین المللی و تمرکز بر دیپلماسی است‌که می توان از وقوع جنگ های جدید جلوگیری کرد و جهانی امن‌تر برای نسل های آینده فراهم آورد.

تانک مجهز لنوبارد سری A7 ساخت آلمان

تانک پیشرفته T14 ساخت روسیه

چکامه

دعای زنده دلان صبح و شام یا حسن است

دعای زنده‌دلان صبح و شام یا حسن است .....که موی تیره و روی سفید با حسن است
مبین ز نسل حسن هیچ‌کس امام نشد .....به حسن بینی اگر هر امام را حسن است
به کفر گفت‌که دست حسن دوایی نیست ..... درست گفت برادر، خود دوا حسن است
حسین می‌شنوم هرچه یا حسن گویم .....دو کوه هست ولی کوه بی‌صدا حسن است
حسین نهی به قاسم دهد حسن دستور..... ز من بپرس‌که سلطان کربلا حسن است
بخوان به نام پسر تا پدر دهد راحت..... بیا که کنیه شیرخدا اباحسن است

محمد سهرابی

عکس روز

فن طلایی روی تاتمی

تیم زنان و مردان تکواندو کشورمان با حضور ناهید کیانی، مبینا نعمت‌زاده، آرین سلیمی و مهران برخورداری موفق شد با یک مدال طلا، دو نقره و یک برنز، در المپیک ۲۰۲۴ پاریس موفقیت ۱۰۰درصدی کسب کند و مدعی شود که امروز دیگر تکواندو حرف اول ورزش ایران را می زند.